

عنوان درس:

جریان سازی سیاسی

ویژه جوان

ارائه محتوا جهت استفاده

مرییان، ائمه جماعت و والدین محترم

www.SalehinZn.ir



فهرست

۳.....	میران سازی سیاسی
۵.....	کارکردها و آثار مثبت امزاب سیاسی
۸.....	امزاب سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۱.....	شروط فعالیت امزاب سیاسی از دیدگاه اسلام
۱۳.....	نتیجه گیری و داوری



جریان سازی سیاسی

جایگاه و موقعیت احزاب و تشکلهای سیاسی در حکومت و نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه، بسیار دقیق، مهم و حساس است که بدون دقت در ابعاد مختلف اندیشه سیاسی اسلام و زوایای مختلف احزاب، ارتباط این دو پدیده زمینی و آسمانی مشخص نخواهد شد. پرسشهای اسلامی در این باره نشان دهنده ابهام در تصورات مسئله است. این که آیا احزاب در حکومت ولایی حق فعالیت سیاسی دارند؟ آیا قانون احزاب در قانون اساسی، با اصل ولایت مطلقه فقیه سازگاری دارد؟ آیا اصولا اسلام، مشارکت سیاسی و اجتماعی در عرصه‌های مختلف را اجازه می‌دهد؟ از این گونه پرسشهاست.

تاریخ سیاسی و اجتماعی گذشته و حال جوامع اسلامی، از رابطه دین و سیاست گزارش می‌دهد و تمام مذاهب و فرقه‌های اسلامی بر وجوب رهبری و نظام سیاسی تأکید دارند؛ اگر چه نظریه واحدی در نظام سیاسی و دولت اسلامی وجود ندارد و هر یک از مذاهب اهل سنت و شیعه در درون خود تفسیرها و قرائت‌های متعدد دارند و به همین دلیل پاسخ به تمام این پرسشها به تبیین مبادی تصویری و بررسی مبادی تصدیقی، بستگی دارد. تعریف دقیق حزب و تشکل سیاسی، تبیین حکومت ولایی، معنای مطلقه در ولایت مطلقه فقیه، اختیارات ولی فقیه و حاکم اسلامی و نظریه‌های سیاسی به لحاظ ساختاری ماهیت اقتدار، خصوصا با توجه به نظریه‌های انتصابی و انتخابی ولی فقیه، انواع نظام‌های حزبی، ضرورت، منافع و معایب احزاب در جوامع بشری و مانند اینها نمونه‌هایی از مبادی تصویری و تصدیقی جایگاه احزاب در حکومت ولایی است.

۱. تاریخچه اجمالی احزاب

تاریخ حیات بشر به روشنی از تعدد شعب و گروهها و تشکل های سیاسی و اجتماعی گزارش می دهد.

برخی از نویسندگان درباره پیدایش احزاب سیاسی می نویسند:

« در سال ۱۸۵۰ میلادی، در هیچ یک از کشورهای جهان (به جز ایالات متحده آمریکا) حزب سیاسی به مفهوم نو آن وجود نداشت... در سال ۱۹۵۰ احزاب سیاسی در اغلب کشورهای پیشرفته جهان فعالیت می کنند و سایر کشورها هم می کوشند که از آنها تقلید کنند».[۱]

هم چنین موریس دوورژه، در اصول علم سیاست، در باب تاریخ پیدایش حزب می نویسد: «از مجموع پژوهش هایی که درباره حزب های سیاسی شده، چنین بر می آید که پیدایش و گسترش حزب های سیاسی با گسترش دموکراسی سیاسی همگام بوده است. با انقلاب صنعتی و فروریختن رابطه های تولیدی جامعه فئودال در غرب، دگرگونی های ژرف سیاسی نیز در آن جا پدید آمد. اندیشه «تمام قوا ناشی از ملت است» که امروزه در قوانین اساسی همه کشورها دیده می شود، از ره آوردهای انقلاب صنعتی و سیاسی بورژوازی غرب است».[۲]

در آغاز پیدایش مجلس های قانونگذار، هر یک از نامزدان نمایندگی این مجلس ها و یارانشان برای پیروزی در انتخابات، گروه هایی را پدید می آوردند و سازمان دادن این گروه ها از این رو لازم بود که انبوه مردم و اغلب رأی دهندگان، نامزدان یا داوطلبان نمایندگی مجلس های قانونگذاری را نمی شناختند و نمی دانستند به چه کسانی رأی دهند. این گروه ها رأی های انتخاب کنندگان را به سوی نامزدهای انتخاباتی مورد نظر، رهبری می کردند. گاهی نیز گروه های انتخاباتی پیرامون یک روزنامه سیاسی سازمان می یافت یا انجمن ها و جمعیت های غیر سیاسی مانند -

انجمن‌های ادبی، هنری، ... به جمعیت‌های سیاسی تبدیل می‌گردیدند و برای پیروزی نامزدهای انتخاباتی‌شان می‌کوشیدند.[۳]

حق مطلب آن است که احزاب سیاسی - با هر شکل خاصی از فعالیت سیاسی و اجتماعی - پدیده‌ای جدید نیست؛ ولی اگر به محتوای احزاب با بنیادهای معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه جدید آن توجه شود، بی‌تردید مفهوم جدیدی پیدا می‌کند.

کارکردها و آثار مثبت احزاب سیاسی

احزاب سیاسی در جوامع فعال، کارکردهای زیر را از خود نشان می‌دهند که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

۱. سازماندهی و انسجام نیروهای پراکنده و شکل‌دهی به افکار عمومی ناهماهنگ.
۲. تربیت و رشد نیروهای کارآمد برای توسعه نظام سیاسی.
۳. انعکاس خواسته‌های مردم به دستگاه حاکمه و سلب استبداد و فساد سیاسی، اقتصادی و اداری از قوای حاکم و کارگزاران نظام.
۴. توسعه سیاسی و رشد اجتماعی در اثر رقابت در مشارکت سیاسی.
۵. شفاف شدن دیدگاه‌ها و مدون شدن برنامه‌ها در جریان رقابت‌های سیاسی.
۶. منشا وفاق ملی کلیه نیروهایی که عقاید مشترک دارند.
۷. جلوگیری از انحراف‌ها و گرایش‌های نیروهای پر جنب و جوش جوان و تک‌روی‌های آنها.
۸. حفظ و ثبات نظام در صورتی که در اصل نظام، اعتقاد مشترک داشته باشند و تفاوت آنها تنها در سلیقه‌ها و برنامه‌های سیاسی باشد.
۹. گزینش و معرفی نامزدهای انتخاباتی برای کسب قدرت.

۱۰. آگاهی مردم در جریان‌ات سیاسی و اجتماعی و مشارکت هر چه بیشتر آنها.

آفات و معایب احزاب سیاسی

متفکران و اندیشمندان علوم سیاسی، ضمن بیان منافع و کارکردهای احزاب سیاسی از زیان‌ها و معایب آنها نیز غفلت نکرده و نکات ذیل را بیان نموده‌اند:

۱. حزب، مزاحم آزادی فردی است و با تشکیلات سنگین و مجهز، فرد را در خود حل کرده و آزادی عمل و اراده را از وی می‌گیرد و فرد ناچار است از تصمیم‌هایی که رهبران به نام حزب می‌گیرند، فرمان برده و از آنان پیروی کند؛ در حالی که اگر عضو حزب نبود، آزادی عمل بیشتری داشت. حزب با تبلیغات، برنامه‌ها و فشارهای آشکار، پنهان و گوناگون و نیز آموزش مرام و مسلک و جهان‌نگری ویژه خود، پهنه دیدگاه فرد را تنگ می‌کند و وی را نسبت به واقعیت‌های زندگی بیرون از حزب بیگانه می‌سازد. هر اندازه سازمان و تشکیلات حزب مجهزتر و مرام و مسلکش سامان یافته‌تر باشد، به همان نسبت شخصیت و آزادی فردی از میان می‌رود و به جای آن شور و هیجان‌های گروهی جایگزین می‌شود.

۲. به جز در نظام سیاسی تک حزبی، وجود حزب برای وحدت ملی زیانبار است. در اغلب کشورها چند حزب با هم برای به دست گرفتن قدرت نبرد می‌کنند. در این نبرد، هر حزب در جست و جوی گردآوری اعضای بیشتری است و با اعلام برنامه‌های رنگارنگ و جذاب، تنها خود را صالح و بر حق برای رهبری ملت و اداره کشور دانسته و کار، برنامه و جهان‌نگری دیگر حزب‌ها را بد می‌داند؛ از این رو گفته می‌شود که وجود حزب، تفرقه انگیز و مغایر وحدت ملی است. اگر حزب نباشد، مردم خود را عضو خانواده ملی احساس می‌کنند و همبستگی میان آنان -

بیشتر خواهد بود.

۳. حزب، به ناروا به همهٔ مسائل، رنگ سیاسی می‌دهد. مخالفان حزب استدلال می‌کنند که همهٔ مسائل اجتماعی و اقتصادی جنبهٔ سیاسی ندارد، بلکه بسیاری از آنها فنی است و حل این دشواری‌های اجتماعی نیاز به دانش و آگاهی‌های علمی و فنی دارد و با شعارهای سیاسی نمی‌توان گره مشکلات را گشود. اگر حزب‌های سیاسی نبودند، بسیاری از کارها و دشواری‌ها، از راه‌های غیر سیاسی و به دست کارشناسان و سازمانهای اداری دولت گشوده می‌شد.

۴. حزب دشمن دموکراسی است. رهبران و فعالان همهٔ حزب‌های سیاسی از چپ افراطی تا راست افراطی مدعی‌اند که حزب‌شان برای تأمین دموکراسی و دفاع از منافع مردم به وجود آمده است؛ ولی مخالفان حزب عقیده دارند که حزبهای سیاسی، دشمن دموکراسی‌اند. اینان عقیده دارند که اگر یکی از مفهومی‌های پایه‌ای دموکراسی این باشد که همهٔ مردم در زندگی اجتماعی و سیاسی باید به گونه‌ای برابر، از دست آوردهای اجتماعی بهره‌گیرند و برای رسیدن به همهٔ شغل‌ها و مقام‌ها دارای بخت برابر باشند، وجود حزبها و گروه‌های سیاسی از برابری بخت و امکانات می‌کاهد. [۴]

۵. احزاب تنها زمینهٔ مشارکت سیاسی گروه‌خواص را فراهم می‌سازند و فعالیت سیاسی را برای سایر تودهٔ مردم غیرممکن می‌نمایند؛ زیرا بر طبق استدلال «رابط دال» (R. Dahl) افراد جامعه در رابطه با مسائل سیاسی به سه دسته منشعب می‌شوند؛ گروهی موضع بی‌طرفانه دارند، عده‌ای نیز مشارکت و حمایت منفعلانه دارند و هیچ‌گونه رقابت فعالانه از خود نشان نمی‌دهند و تنها افراد اندکی هستند که خود را در جوانب مختلف سیاسی درگیر می‌سازند و به عنوان فعالان سیاسی شناخته می‌شوند و با تولید ایدئولوژی، رهبری سیاسی و سازماندهی

تشکیلاتی، توده‌ها را به دخالت و حمایت از دیدگاه‌های خود وا می‌دارند.[۵]
بنابراین، احزاب در مقام عمل نمی‌توانند مشارکت سیاسی همگانی را تحقق
بخشند.

۶. تعصب حزبی و التزام به منافع حزب، از آفات دیگر احزاب سیاسی است که نه
تنها با ارزش‌های اخلاقی تعارض دارند بلکه انسان را از تعقل و آزاداندیشی باز
می‌دارد و ایشان در اثر افراط در تعظیم و تقدیس حزب، ماهیت انسانی خود را از
دست می‌دهد.

احزاب سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تدوین کنندگان قانون اساسی که خبرگان ملت و فقهای اسلامی بودند، به احزاب
سیاسی رأی مثبت دادند و در نهایت، قانون اساسی مورد تأیید امام راحل قرار
گرفت. مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۶۰ قانون فعالیت احزاب،
جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی را
تصویب نمود؛ البته احزاب و تشکلهای سیاسی در آغاز انقلاب، دست مایه مخالفان
اسلام قرار گرفته و به علت فقدان برنامه مشخص و راهکارهای عملی، فسادهای
شخصی و سوء استفاده عناصر باعث زیرپا گذاشته شدن اصول اخلاقی در رقابت
های سیاسی احزاب شد و این امر تجربه ناکامی ملت ایران، در تشکلهای احزاب
سیاسی را به دنبال داشت. عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی ایران نیز بر این
ناکامی افزود.

اینک به قوانین مربوط به احزاب سیاسی و آزادی سیاسی و اجتماعی مردم در
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کنیم:

۱. حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و هم فکر است که به خود سازمان می دهد تا در روند تحول فکری - عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما، در جریان تکامل انقلابی خود، از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آموزه های فکری بیگانه، خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی، جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند، بر چنین پایه ای این جامعه با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ و قانون اساسی که تضمین گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می باشد در جهت گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می کند. قانون اساسی، زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم گیری های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد. [۶]

۲. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد.

- محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی؛

- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛

- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

خویش؛ [۷]

- در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آراء عمومی اداره شود؛ از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای

شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد. [۸] طبق دستور قرآن کریم «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر»، شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. [۹]

- در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. [۱۰]

- نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام و یا حقوق عموم باشند؛ تفصیل آن را قانون معین می‌کند. [۱۱]

- احزاب و جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. [۱۲]

- تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. [۱۳]

- برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل، انتخاب می‌کنند. [۱۴]

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد. [۱۵]

شروط فعالیت احزاب سیاسی از دیدگاه اسلام

با توجه به آفات و کارکردها و به عبارت دیگر آثار مثبت و منفی احزاب سیاسی که گذشت، حال نوبت به شروط فعالیت احزاب سیاسی از دیدگاه اسلام می‌رسد. آموزه‌های شریعت و مبانی اسلام، ضمن تأکید بر وحدت ملی و جلوگیری از تنازع و تفرقه سیاسی - که منشأ تضعیف ملت و امنیت کشور می‌گردد - و همچنین نفی هر گونه فریب کاری و ارزش نهادن به آزادی و کرامت انسان و همین طور برای جلوگیری از رکود سیاسی بر مشارکت سیاسی مردم با مکانیزم‌های مختلف، از جمله امر به معروف و نهی از منکر، حق انتقاد، حقوق متقابل حاکم اسلام و مردم، نظارت قانونی مردم بر عملکرد هیئت حاکمه و غیره تأکید فراوان نموده است؛ بنابراین فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی در جامعه اسلامی مشروط به امور ذیل است: [۱۶]

اول، احزاب سیاسی به اصول عقاید اسلامی و احکام و ارزش‌های شریعت ایمان داشته باشند و بر اساس آیه «ان الدین عندالله اسلام» و «من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه» (آل عمران، ۸۵) نباید از آموزه‌های اسلام عدول نمایند.

دوم، همکاری و مودت احزاب و گروه‌های سیاسی در جامعه اسلامی با گروه و جمعیت‌های غیر اسلامی جایز نیست چنان که این آیات شریفه بر این مهم اشاره دارند. «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدى القوم الظالمین» (مائده، ۵۱) و آیه «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا اَبَآءَکُمْ وَ اِخْوَانَکُمْ اَوْلِیَاءَ اِنْ اسْتَحَبُّوا الْکُفْرَ عَلَی الْاِیْمَانِ وَ مَنْ یَتَوَلَّهمْ مِنْکُمْ فَاولئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (توبه، ۲۳).

سوم، مبارزه احزاب و گروه‌های سیاسی اسلامی، با اندیشه‌ها و گروه‌هایی که در راستای دور کردن اسلام از عرصه زندگی سیاسی و اجتماع تلاش می‌کنند و در صدد جریان سازی احکام و قوانین سکولار در جامعه دینی هستند، نیز از شرایط و وظایف لازم احزاب سیاسی، در جامعه اسلامی است و آیات: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده، ۴۷)، «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده، ۴۵) دلالت بر این وظیفه می‌کنند.

چهارم، نظارت و مراقبت مستمر احزاب، بر عدم مخالفت احکام و تصمیم‌گیری های سیاسی با شریعت اسلام، نیز از شرایطی است که آیه ۷۵ سوره بقره «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» بر آن تأکید می‌نماید.

پنجم، رعایت موازین فقهی، شرعی و اخلاقی در هنگامی که با احزاب رقیب اختلاف نظر پیدا می‌شود؛ بدین معنا که با به کارگیری ابزارهای مشروع در تبلیغات حزبی و نیز تحمل و عدم انکار و تکفیر احزاب اسلامی دیگر و به کار نرفتن شیوه‌های غیر اخلاقی و ظالمانه هم چون بهتان به یک دیگر از شروط ضروری فعالیت سیاسی احزاب به شمار می‌رود.

ششم، اهتمام احزاب به وحدت امت اسلامی و وحدت ملی و پرهیز از اختلاف و تفرقه‌های مضر نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد. آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...» (آل عمران، ۱۰۳) نیز بر این معنا تأکید می‌نماید.

هفتم، اعتقاد احزاب به حاکمیت خداوند و نیز اطاعت از حاکم اسلامی - که شرایط حاکم دینی از جمله عدالت، علم، تقوا، مدیریت و... را دارا است - بر اساس آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹) لازم است.

نتیجه گیری و داوری

با توجه به شرایط مذکور، نکات ذیل را به عنوان داوری نهایی بیان می کنیم:

۱. اگر احزاب سیاسی به تنازع و تفرقه و اختلافات سیاسی منجر شوند و تضعیف و سستی و قوای دولت و امنیت ملی کشور را به ارمغان آورند، بر اساس آیه «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال، ۴۶) مشروعیت دینی ندارند.

۲. اگر احزاب سیاسی با تبلیغات و برنامه‌ها و فشارهای آشکار و پنهان، شخصیت و آزادی فردی را از میان بردارند، بر اساس آیات انسان شناسی دینی و اسلامی، مبنی بر کرامت و مقام معنوی انسان، مقبولیت دینی نخواهند داشت.

۳. اگر احزاب سیاسی، فریب کاری و برنامه‌های رنگارنگ را جهت کسب منافع شخصی و گروهی پیشه خود سازند و مکر و حيله و نیرنگ را ابزار کسب قدرت خود قرار دهند، نه تنها از نظر قرآن و نصوص دینی ارزشمند نیستند بلکه ضد ارزش‌اند.

۴. فعالیت سیاسی احزاب غیر اسلامی، اعم از احزاب کتابی و احزاب سکولار اگر در راستای مخالفت با ارزش‌ها و آموزه‌ها و قوانین اسلامی باشد، از دیدگاه جامعه و دولت اسلامی که صیانت و حفاظت از اسلام و دستورات او را مرام اساسی خود قرار داده است، مشروعیت ندارد و آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) و دیگر آیات قرآنی، اجازه دستیابی احزاب غیراسلامی به قدرت سیاسی و اجتماعی را نمی دهد.

۵. برای جلوگیری از آفات و زیانهای احزاب، باید بر اساس قوانین، احکام و ارزشهای اسلامی، تلاشی جدی در نهادینه کردن و نظارت قانونی بر فعالیت احزاب فراهم کرد تا بر اساس آیه «وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵) و آیه «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر، ۱۷) به فعالیتهای سیاسی بپردازند.

۶. فعالیت سیاسی احزاب و گروه‌های اسلام، با فرض این که در چارچوب احکام، عقاید و ارزش‌های اسلامی می‌باشد و از منابع دینی و نصوص اسلامی در برنامه‌ریزی، اهداف، استراتژیکی و جذب قدرت سیاسی استفاده گردد، بلامانع است.

شایان ذکر است که رقابتها و مشارکتهای سیاسی در میان احزاب اسلامی، به دو شکل تصویر می‌شود. نخست، رقابت‌هایی که در موضوعات عرفی یا مسائلی که در منطقه الفراغ شریعت قرار دارد، اتفاق می‌افتد؛ نتایج این گونه رقابت‌ها از دیدگاه شریعت اسلام مشروعیت دارد.

دوم، رقابت‌هایی که در تبیین احکام تکلیفی و وضعی - آن هم به صورت فقهاتی و اجتهادی - در میان نخبگان مذهبی و سیاسی (یعنی علما و مجتهدانی که در عرصه دین و سیاست فعال‌اند) اتفاق می‌افتد؛ در این صورت، مبنای مشروعیت جامعه شناسی احزاب، به میزان مقبولیت عامه مردم بستگی دارد. دقیقاً همانند مقبولیتی است که مراجع تقلید در میان مردم پیدا می‌کنند.

امام صادق - علیه السلام - نیز در مشروعیت این اختلاف‌ها در حدیث ذیل می‌فرماید: «انما علینا ان نلقى الیکم الاصول و علیکم ان تفرعوا» و به روایت ابی الحسن - علیه السلام - نیز امام می‌فرماید: «اختلاف اصحابی لکم رحمه و قال - علیه السلام - اذکان ذلک (ای ظهور الحق و قیام القائم (عج)) جمعتم علی امر واحد و سئل عن اختلافنا و قال - علیه السلام - انا فعلت ذلک بکم لو اجتمعتم علی امر واحد لاخذ برقابکم».[۱۷] یعنی اختلاف اصحاب و شیعیان من برای شما رحمت است و آنگاه که حضرت قائم (عج) قیام نماید، اختلافها و گروه‌های متعدد را به جمع واحد تبدیل خواهد کرد.

امام فرمود: من چنین نمودم که اگر شما بر امر واحدی اجتماع نمایید، گرفتار خواهید شد. بنابراین، مشارکت مردم در سرنوشت خود با رعایت اصول و ارزشهای دینی بلامانع است.

۷. نظام‌های سیاسی اسلام [۱۸] تنها فعالیت احزاب را در چهارچوب قوانین، عقاید و ارزشهای اسلام تأیید می‌کنند. حال که نظام جمهوری اسلامی، بر اساس حاکمیت الهی و نظام مبتنی بر ولایت فقیه استوار است، طبعاً آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و مشارکتهای احزاب باید در چهارچوب قوانین اسلامی صورت پذیرد؛ یعنی همان دیدگاهی که از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود.

[۱]. عبدالحمید ابوالحمد، مبانی سیاست، انتشارات توس، ۱۳۷۶، ص ۴۴.

[۲]. موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، ۱۳۴۹، ص ۱۳۷.

[۳]. همان، ص ۴۴۱.

[۴]. عبدالحمید ابوالحمد، همان. ص ۴۳۷ - ۴۴۰.

[۵]. R. Dahl. Pbuarchy. Op. cit, pp. ۱۲۴ - ۱۸۰.

[۶]. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقدمه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۱ - ۱۲.

[۷]. اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

[۸]. اصل ششم قانون اساسی.

[۹]. اصل هفتم قانون اساسی.

[۱۰]. اصل هشتم قانون اساسی.

[۱۱]. اصل بیست و چهارم قانون اساسی.

[۱۲]. اصل بیست و ششم قانون اساسی.

- [۱۳]. اصل بیست و هفتم قانون اساسی.
- [۱۴]. اصل یکصد قانون اساسی، ص ۵۱.
- [۱۵]. اصل یکصد و پنجم قانون اساسی، ص ۵۳.
- [۱۶]. محمد عبدالقادر ابوفارس، التعددية في ظل الدولة الاسلامية، ص ۵۷ - ۵۹.
- [۱۷]. البحرانی الاصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، ۱۳۶۳، ص ۵۱۰ و ۵۶۵.
- [۱۸]. چه در میان اهل سنت که به خلاف منتخب از سوی مردم اعتقاد دارند و چه از دیدگاه شیعیان که به مسئله امامت باور دارند و در دوران غیبت بر حاکمیت عالم دینی عادل، باتقوا، مدیر، مدبر به صورت انتصابی یا انتخابی تأکید می‌ورزند.